طلیعه

الگوی جنگ سرد در تنش عربستان و ایران

محمدعلی عسگری
روزنامه‌نگار

هرازچندگاهی تنش‌های بین عربستان و ایران شدت می‌گیرد. برخی از ناظران این تنش‌ها را در ادامه یک «جنگ سرد منطقه‌ای» تحلیل می‌کنند که از ابتدای روزهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شروع شد و همچنان استمرار دارد. این جنگ سرد در سال‌های گذشته افت‌وخیزهای فراوانی داشته است. به‌غیر از اختلافات دینی و تاریخی، مسئله «هژمونی منطقه‌ای» یکی از مهم‌ترین عواملی است که به شکلی به نزاع دامن می‌زند. تبلیغات رسانه‌ای، تشکیل ائتلاف‌ها و بازیگری‌های منطقه‌ای، رقابت در حوزه‌های سیاسی، مذهبی، تسلیحاتی و حتی اقتصادی برخی از وجوه بارز این نزاع توصیف می‌شود. مهم‌ترین پیامد این جنگ سرد به جز تعمیق عقب‌ماندگی‌های تاریخی کشورهای منطقه و ضرر و زیان‌های اقتصادی فراوان تاکنون، بروز و ظهور برخی گروه‌های تروریستی بوده است که یک نمونه آن را باید داعش دانست. تاکنون برای آینده این جنگ سرد با حل اختلافات قیمانیس، چند راهکار مطرح شده است:

۱- راهکار تقابلی: با یا به تعبیر دیگر تبدیل این «جنگ سرد» به یک «جنگ گرم». راهکاری که حامیانی دارد. غافل از آنکه مهم‌ترین طرف‌دار این راهکاری در درجه اول باید رژیم اسرائیل و در درجه دوم کشورهای عربی باشند که در نتایج چنین تقابلی سودها خواهند برد. یک تجربه تلخ و هنوز فراموش‌نشده از چنین راهکاری را باید جنگ تحمیلی عضب‌ساله عراق علیه ایران دانست. هنوز فراموش نکرده‌ایم که در ابتدای همان جنگ بعضی طرف‌های غربی به‌صراحت گفتند: «این جنگ تا تضعیف هردو کشور باید استمرار داشته باشد». ایران گرچه به‌دلیل توانمندی‌های درونی و امدادهای الهی توانست سرفراز از آن جنگ بیرون آید اما عراق رو به سوی فروپاشی رفت و به این ترتیب یکی از ارتش‌های بزرگ عربی نابود و کشوری همچنه انواع کوره‌های تروریستی شده و هم‌اکنون نیز در پرتگاه تجزیه قرار دارد. با سرنوشتی مبهم در آینده‌ای نامعلوم. البته نیازی به یادآوری نیست که جنگ تحمیلی عضب‌ساله برای کشور ما نیز خسارت‌های فراوانی به دنبال داشت. اگر جنگ نبود ما اکنون در جایگاه دیگری قرار داشتیم و به لحاظ توسعه اقتصادی و فرهنگی به درجات بالاتری رسیده بودیم. با این همه باید گفت اگر امکان «یک نظام» وجود داشت، دیگر «جنگ سرد»ی شکل نمی‌گرفت. به بیان دیگر وقتی زراعتی به یک جنگ سرد درازمدت و فرسایشی تبدیل می‌شود که امکان وقوع یک جنگ گرم و تمام‌عیار در آن وجود ندارد. پس کسانی که بر طبل جنگ گرم می‌کوبند، به‌عبارتی آب در هاون می‌کوبند.

۲- راهکار آشتی و سازش: تاکنون کشورها و نهادهای مختلفی ازجمله سازمان ملل متحد پیشنهاد آشتی بین دو کشور ایران و عربستان را داده‌اند. درحالی‌که مقامات کشور ما از این‌گونه پیشنهادها استقبال می‌کنند، مقامات عربستان با لجاجت تمام آنها را رد کرده و برای هرگونه گفت‌وگو با ایران شرط و شروط می‌گذارند. به نظر می‌رسد در فضای پرالتهاب کنونی راهکار آشتی جواب نمی‌دهد؛ مگر آنکه مقامات ارشد هر کشور به یک تصمیم تاریخی فوق‌العاده رسیده باشند. روشن است که «آشتی» بهترین و سودمندترین راهکار بوده و نه‌تنها به نفع دو کشور مهم منطقه بلکه به نفع کل منطقه و جهان اسلام خواهد بود. این مسئله تاثیر فوری و سازنده به‌خصوص بر سرزمان‌های سوریه، لبنان، یمن، عراق و مقابله با خیل عظیم کوره‌های تروریستی خواهد گذاشت. مصاف بر آن می‌تواند راه را برای مشارکت‌های گسترده در حوزه‌های اقتصادی ازجمله نفت و صادرات و واردات کالاهای مختلف فراهم کند. دولت روحانی تاکنون با وجود کارشکنی‌های برخی کوره‌های تندرو (که یک نمونه‌اش را در حمله به سفارت عربستان در ایران دیدیم) در نهایت با همان رویکردهای از پیش تعیین‌شده خود را در منطقه پیشتر گذاشتن و در ایران بوده و انتظار می‌کشد در راض هم عقلایی پیدا شود که چنین ضروری را بپذیرد. البته نباید فراموش کرد که اساسا در روابط یک جنگ سرد، آشتی‌ها مقطعی و موردی و براساس برخی نیازهای مرحله‌ای به وجود می‌آید و نمی‌تواند چندان به آنها دلخوش بود.

۳- نیروی آزادی‌گیر سرد: اگر فرضیه جنگ سرد برای تنش‌های بین عربستان و ایران هم صادق باشد، باید گفت بهتر است ایران از تجربه قذشکان آموخته و خود را برای یک پروسه درازمدت آماده کند. در جنگ سرد بین اردوگاه شوروی و غرب، طرفی برنده شد که به صورت درازمدت و ریشه‌ای برنامه‌ریزی کرد و به‌دور از هیاهو و جنجال‌های جاهلی به تحکیم زیرساخت‌های خود همت گماشت. اساسا در یک جنگ سرد طرفی برنده است که قدرت تحمل و استمرار مقاومه را بیشتر از طرف مقابل داشته باشد. طرفی که بتواند با اتخاذ تدابیری زمین بر قوت و قدرت خود در همه ابعاد به صرفا نظامی (توهمی که سران شوروی به آن دچار شده بودند) بیفزاید و برنده شود.

برخی از کارشناسان براساس دریافت‌های واقعی، پیش‌بینی می‌کنند عربستان در چنین پروسه‌ای شکست خواهد خورد. آنان دراین‌باره دلیل می‌آورند که این کشور اساسا نظامی فرسوده و منحط دارد و با نارضایتی گسترده‌ای در داخل مواجه است. از آن گذشته جنگ‌طلبی‌های منطقه‌ای با هزینه‌های بالا و شکست‌های ناشی از آن این کشور را به‌شدت سرخورده کرده است. کاهش بهای نفت به شکل دیگری نبان‌های اقتصادی این کشور را هدف قرار داده و می‌رود تا آن را دچار فروپاشی کند. علاوه بر همه اینها امروزه در بین کشورهای غربی و اساسا جهان غرب، عربستان به‌عنوان ممانع تروریسم سیاه، معرفی می‌شود و همه جهان می‌تواند به ازهم‌گسیختگی و اضمحلال این کشور مبرخ شود. اما از سوی دیگر برخی دیگر از ناظران دلیل آورده و می‌گویند عربستان را وجود همه سعت‌گرایی‌اش، قادر به تجدیدنظر و نوسازی در رویکردهایش است. آنها می‌گویند فراموش نکنید که با آمدن ملک سلمان و برکسی‌نشستن قوی جون محمد بن‌سلمان با محمد بن نایف که متعلق به نسل دوم شاهزادگان سعودی هستند، این کشور سمتو تازه‌ای را شروع کرده است. با این تفاوت که از بار تبرید که همین سعودی‌ها با همین سازوکارها توانسته‌اند در یک قرن گذشته نظام خود را با همه بحران‌های داخلی و موج انقلاب‌ها و کودتاهای منطقه حفظ کنند و اینها تجربه کمی نیست.

حتی اگر همه این استدلال‌ها را کنار بگذاریم، باز طرفی که راهکار سوم را در پیش گرفته باشد. آسیبی نمی‌بیند و نه‌تنها ضرری نکرده که سود هم برده است. زیرا اساس کار خود را بر یک خودسازی درونی و توسعه قدرت ملی در یک پروسه درازمدت قرار داده است. این تجربه‌ای است که کشورهای بسیاری از ژاپن بین از جنگ جهانی دوم تا آلمان و هندوستان و غیره در پیش گرفته و موفق شده‌اند. بی‌تردید شایستگی و توان ایران و ایرانیان اگر بیشتر از ایران نباشد، کمتر نیست.

حمیدرضا آصفی در گفت‌وگو با «شرق»

تداوم مدیریت رفتار عربستان، آنها را ناکام خواهد کرد

حسین سخندان

عکس: امیر حجتی شرق

عربستان همچنان به تلاش برای نادیده‌گرفتن نقش ایران در منطقه مشغول است؛ حتی اگر دولت حسن روحانی با دیپلماسی تنش‌زدایی، بهانه رفتارهای غیرسازنده احمدی‌نژاد را نیز از دست سعودی‌ها گرفته باشد. چند پارامتر مهم، فضای خاورمیانه را نسبت به گذشته با تغییرات جدی مواجه کرده است. مسئله سوریه و جنگ‌های نیابتی در آن، نوعی بازی «مرگ و زندگی» را رقم زده که برخی کشورها در منطقه و ایالات متحده و روسیه از وزای منطقه، کاملا در آن درگیر هستند. میزان هزینه‌ای هم که از سوی طرف‌های مختلف می‌شود، به‌حدی است که چشمان اعراب حامی گروه‌های تکفیری را کاملا به روی واقعیات میدانی بسته است.

از سوی دیگر رفتار دولت سوریه در برخورد با منتفدان، فاکتور مهم دیگری در جهت‌گیری طرف‌های مختلف درگیر است. در کنار اینها مسئله یمن را نیز باید تا حدی در معادلات دخیل دانست. تفکر فرزند ملک سلمان، امکان گسترش درگیری تا هر نقطه‌ای بی‌توجه به هزینه‌های آن و تضادهای خطرناک موجود درون عربستان است. ترکیه و اردوغان نیز که روزگاری با راهبرد «تنش صفر با همسایگان» و بازگیری‌های منطقه‌ای، رقابت در حوزه‌های سیاسی، مذهبی، تسلیحاتی و حتی اقتصادی برخی از وجوه بارز این نزاع توصیف می‌شود. مهم‌ترین پیامد این جنگ سرد به جز تعمیق عقب‌ماندگی‌های تاریخی کشورهای منطقه و ضرر و زیان‌های اقتصادی فراوان تاکنون، بروز و ظهور برخی گروه‌های تروریستی بوده است که یک نمونه آن را باید داعش دانست. تاکنون برای آینده این جنگ سرد با حل اختلافات قیمانیس، چند راهکار مطرح شده است:

۱- راهکار تقابلی: یا به تعبیر دیگر تبدیل این «جنگ سرد» به یک «جنگ گرم». راهکاری که حامیانی دارد. غافل از آنکه مهم‌ترین طرف‌دار این راهکاری در درجه اول باید رژیم اسرائیل و در درجه دوم کشورهای عربی باشند که در نتایج چنین تقابلی سودها خواهند برد. یک تجربه تلخ و هنوز فراموش‌نشده از چنین راهکاری را باید جنگ تحمیلی عضب‌ساله عراق علیه ایران دانست. هنوز فراموش نکرده‌ایم که در ابتدای همان جنگ بعضی طرف‌های غربی به‌صراحت گفتند: «این جنگ تا تضعیف هردو کشور باید استمرار داشته باشد». ایران گرچه به‌دلیل توانمندی‌های درونی و امدادهای الهی توانست سرفراز از آن جنگ بیرون آید اما عراق رو به سوی فروپاشی رفت و به این ترتیب یکی از ارتش‌های بزرگ عربی نابود و کشوری همچنه انواع کوره‌های تروریستی شده و هم‌اکنون نیز در پرتگاه تجزیه قرار دارد. با سرنوشتی مبهم در آینده‌ای نامعلوم. البته نیازی به یادآوری نیست که جنگ تحمیلی عضب‌ساله برای کشور ما نیز خسارت‌های فراوانی به دنبال داشت. اگر جنگ نبود ما اکنون در جایگاه دیگری قرار داشتیم و به لحاظ توسعه اقتصادی و فرهنگی به درجات بالاتری رسیده بودیم.

با این همه باید گفت اگر امکان «یک نظام» وجود داشت، دیگر «جنگ سرد»ی شکل نمی‌گرفت. به بیان دیگر وقتی زراعتی به یک جنگ سرد درازمدت و فرسایشی تبدیل می‌شود که امکان وقوع یک جنگ گرم و تمام‌عیار در آن وجود ندارد. پس کسانی که بر طبل جنگ گرم می‌کوبند، به‌عبارتی آب در هاون می‌کوبند.

۲- راهکار آشتی و سازش: تاکنون کشورها و نهادهای مختلفی ازجمله سازمان ملل متحد پیشنهاد آشتی بین دو کشور ایران و عربستان را داده‌اند. درحالی‌که مقامات کشور ما از این‌گونه پیشنهادها استقبال می‌کنند، مقامات عربستان با لجاجت تمام آنها را رد کرده و برای هرگونه گفت‌وگو با ایران شرط و شروط می‌گذارند. به نظر می‌رسد در فضای پرالتهاب کنونی راهکار آشتی جواب نمی‌دهد؛ مگر آنکه مقامات ارشد هر کشور به یک تصمیم تاریخی فوق‌العاده رسیده باشند. روشن است که «آشتی» بهترین و سودمندترین راهکار بوده و نه‌تنها به نفع دو کشور مهم منطقه بلکه به نفع کل منطقه و جهان اسلام خواهد بود. این مسئله تاثیر فوری و سازنده به‌خصوص بر سرزمان‌های سوریه، لبنان، یمن، عراق و مقابله با خیل عظیم کوره‌های تروریستی خواهد گذاشت. مصاف بر آن می‌تواند راه را برای مشارکت‌های گسترده در حوزه‌های اقتصادی ازجمله نفت و صادرات و واردات کالاهای مختلف فراهم کند. دولت روحانی تاکنون با وجود کارشکنی‌های برخی کوره‌های تندرو (که یک نمونه‌اش را در حمله به سفارت عربستان در ایران دیدیم) در نهایت با همان رویکردهای از پیش تعیین‌شده خود را در منطقه پیشتر گذاشتن و در ایران بوده و انتظار می‌کشد در راض هم عقلایی پیدا شود که چنین ضروری را بپذیرد. البته نباید فراموش کرد که اساسا در روابط یک جنگ سرد، آشتی‌ها مقطعی و موردی و براساس برخی نیازهای مرحله‌ای به وجود می‌آید و نمی‌تواند چندان به آنها دلخوش بود.

۳- نیروی آزادی‌گیر سرد: اگر فرضیه جنگ سرد برای تنش‌های بین عربستان و ایران هم صادق باشد، باید گفت بهتر است ایران از تجربه قذشکان آموخته و خود را برای یک پروسه درازمدت آماده کند. در جنگ سرد بین اردوگاه شوروی و غرب، طرفی برنده شد که به صورت درازمدت و ریشه‌ای برنامه‌ریزی کرد و به‌دور از هیاهو و جنجال‌های جاهلی به تحکیم زیرساخت‌های خود همت گماشت. اساسا در یک جنگ سرد طرفی برنده است که قدرت تحمل و استمرار مقاومه را بیشتر از طرف مقابل داشته باشد. طرفی که بتواند با اتخاذ تدابیری زمین بر قوت و قدرت خود در همه ابعاد به صرفا نظامی (توهمی که سران شوروی به آن دچار شده بودند) بیفزاید و برنده شود.

برخی از کارشناسان براساس دریافت‌های واقعی، پیش‌بینی می‌کنند عربستان در چنین پروسه‌ای شکست خواهد خورد. آنان دراین‌باره دلیل می‌آورند که این کشور اساسا نظامی فرسوده و منحط دارد و با نارضایتی گسترده‌ای در داخل مواجه است. از آن گذشته جنگ‌طلبی‌های منطقه‌ای با هزینه‌های بالا و شکست‌های ناشی از آن این کشور را به‌شدت سرخورده کرده است. کاهش بهای نفت به شکل دیگری نبان‌های اقتصادی این کشور را هدف قرار داده و می‌رود تا آن را دچار فروپاشی کند. علاوه بر همه اینها امروزه در بین کشورهای غربی و اساسا جهان غرب، عربستان به‌عنوان ممانع تروریسم سیاه، معرفی می‌شود و همه جهان می‌تواند به ازهم‌گسیختگی و اضمحلال این کشور مبرخ شود. اما از سوی دیگر برخی دیگر از ناظران دلیل آورده و می‌گویند عربستان را وجود همه سعت‌گرایی‌اش، قادر به تجدیدنظر و نوسازی در رویکردهایش است. آنها می‌گویند فراموش نکنید که با آمدن ملک سلمان و برکسی‌نشستن قوی جون محمد بن‌سلمان با محمد بن نایف که متعلق به نسل دوم شاهزادگان سعودی هستند، این کشور سمتو تازه‌ای را شروع کرده است. با این تفاوت که از بار تبرید که همین سعودی‌ها با همین سازوکارها توانسته‌اند در یک قرن گذشته نظام خود را با همه بحران‌های داخلی و موج انقلاب‌ها و کودتاهای منطقه حفظ کنند و اینها تجربه کمی نیست.

حتی اگر همه این استدلال‌ها را کنار بگذاریم، باز طرفی که راهکار سوم را در پیش گرفته باشد. آسیبی نمی‌بیند و نه‌تنها ضرری نکرده که سود هم برده است. زیرا اساس کار خود را بر یک خودسازی درونی و توسعه قدرت ملی در یک پروسه درازمدت قرار داده است. این تجربه‌ای است که کشورهای بسیاری از ژاپن بین از جنگ جهانی دوم تا آلمان و هندوستان و غیره در پیش گرفته و موفق شده‌اند. بی‌تردید شایستگی و توان ایران و ایرانیان اگر بیشتر از ایران نباشد، کمتر نیست.

منطقه‌ای ایران مجاب کند و روابط به سمت عادی‌شدن پیش برود؟

بعد از روی‌کارآمدن هیات حاکمه جدید سعودی، ایران با صبر و تدبیر و البته تاکید بر مواضع اصولی خود، اعلام کرده است درها روی عربستان بسته نشده و این کشور می‌تواند با تجدیدنظر در رفتارهای مخرب خود، به صر مذاکره بازگردد. به نظر می‌رسد این سیاست ایران به این معناست که اگر سعودی‌ها تمایل دارند به ایران نزدیک شوند، لزوم تغییر در سیاست‌ها، امری اجتناب ناپذیر است. به‌هرحال می‌دانیم عربستان در منطقه، شکست‌های مختلفی را به صورت پی‌درپی تجربه کرده و می‌کند. آنان به هر کاری دست می‌زنند تا کشورشان را از این وضعیت نجات دهند. به‌هرحال مسائل میان ایران و عربستان از ابتدا به دلیل ذات رفتار سعودی‌ها بوده است؛ اما جمهوری اسلامی در همه این ۳۸ سال، به عنوان کشور دوست و همسایه، خود را مهیای یک رابطه دوجانبه براساس منافع طرفین کرده است. به نظر من اگر بسیاری از کشورهای اسلامی به جای ایران بودند و از امکانات و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی برخوردار بودند، آن‌گاه ممکن بود گزینه نظامی حتما به میان آورده شود. سعودی‌ها بی‌توجه به آرمان امت اسلامی که خود را مبلغ آن نشان می‌دهند، با حمایت آشکار و نهان از رژیم صهیونیستی، نوعی خودزنی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. بر همین‌اساس به نظر نمی‌رسد در آینده نزدیک، شرایط بهتری در روابط دو کشور دیده شود.

این آینده دورتر چه زمانی فرا می‌رسد؟

این اتفاق زمانی می‌افتد که سعودی‌ها سرشان به سنگ بخورد و بدانند از تقابل با ایران، نتیجه‌ای عاید آنان نخواهد شد. به‌هرحال باید در چنین اقتدار و صلابت در صحنه‌های دیپلماتیک و حوزه‌های سخت‌افزاری، همچنان سه مدیریت سعودی‌ها و خنثی‌سازی تلاش‌های آن‌ها در منطقه، اقدام کرد و درعین‌حال، با دیپلماسی فعال به افشای اقدامات دولت آنان پرداخت. اتفاقاتی که شاهد آن هستیم، مقداری به‌خاطر نگرش و ذات سعودی‌هاست و ربطی به الان هم نداره و در دررَم گذشته نیز این اختلافات وجود داشته که در خاطرات عَلَم و شاه موجود است. البته برخی تنش‌های امروز،

باید در عین داشتن اقتدار و صلابت در صحنه‌های دیپلماتیک و حوزه‌های سخت‌افزاری، همچنان به مدیریت سعودی‌ها و خنثی‌سازی تلاش‌های آن‌ان در منطقه، اقدام کرد و درعین‌حال، با دیپلماسی فعال به افشای اقدامات دولت آنان پرداخت. اتفاقاتی که شاهد آن هستیم، مقداری به‌خاطر نگرش و ذات سعودی‌هاست و ربطی به الان هم ندارد

به رفتاری که ما در دولت قبل داشتیم، بر می‌گردد که البته آن ریشه اصلی نیست؛ اما برخی خصومت‌ها را تشدید یا علنی‌تر کرد. وقتی قرار بر نقد تاریخی است، باید منصفانه سخن بگوییم. ساده‌انگاری دولت قبل و دم‌دستی‌دیدن مسائل، شرایط منطقه‌ای را دشوار کرد. وقتی گفته شود آمادگی آن را داریم که رابطه با مصر را ۲۴ ساعته برقرار کنیم؛ یعنی ساده‌انگاری، رفتارهای نمایشی مثل توافق هسته‌ای و تهدید با برزیل و ترکیه نیز از همین جنس رفتارها بود. اما نکته تند، دشمن دیپلماسی است. ایران در دوره جدید - مجموعه حاکمیت را عرض می‌کنم- به دنبال مدیریت رفتار عربستان با دیپلماسی مقتدر است. مسئولان ایران نباید واردِ لفاظی بشوند؛ به‌خصوص لفاظی‌هایی که پشتوانه عملیاتی ندارد. ایران باید تلاش خود را در منطقه بیشتر کرده و روابط خود را با کشورهای منطقه گسترش دهد؛ چنان‌که به بازار بین‌المللی برگشته است استفاده کند. هرچند که این تلاش و در نهایت تمرینش نبود و سرانجام در حدود یک ماه پیش عربستان مستانشدن ایران از طرح غیرنفتی را پذیرفت. به‌این‌ترتیب به کفته بیژن زنگنه، وزیر نفت: «به‌زودی ظرفیت تولید روزانه نفت ایران به چهار میلیون بشکه در روز افزایش پیدا می‌کند».

تلاش ناکام

براین‌اساس به نظر می‌رسد که تا اینجای کار نیمی از تلاش‌های عربستان برای مواجه‌کردن تهران به مازعات منطقه‌ای آن‌طور که خواسته بوده، ناکام مانده است. ناکام بماند. از یک سو در سوریه باوجود اصرارش بر رفتن بشار اسد از قدرت، ایران همچنان از حمایت دولت اسد به‌عنوان خط قرمز نظام حمایت کرده و همین مانع اجرای سیاست حذف اسد از سوی رباض در معادلات منطقه‌ای شده است. از سوی دیگر برخی توانسته مناسبات مع حضور جامعه بین‌الملل در بازار پرنرخ اقتصادی ایران شود. شکست طرح غیرنفتی و مستانشدن ایران از کاهش سطح تولید نفت را نیز می‌توان پیروزی دیگری برای ایران در قبال عربستان محسوب کرد. به‌این‌ترتیب به نظر می‌رسد ایران تا اینجای کار توانسته با درپیش‌گرفتن مسئله با عربستان، برنده بزرگ مسائل خاورمیانه باشد.

نقطه افتراقی به نام سوریه

درایران سوریه پس از یمن، محل اختلاف شدید ایران و عربستان است. ایران و عربستان سال‌هاست که بر سوریه با یکدیگر اختلافات عمیقی دارند؛ اختلافاتی که تا به امروز با پیشگرفتن سیاست صبر از سوی ایران همچنان ادامه دارد. جناب و باران دگرگیری‌ها در این منطقه در منطقه دانشتن شروع به سنگ‌اندازی در مسیر مذاکرات کردند. نمونه بارز آن سفر غیرمنتظره محمد الفیصل، وزیر خارجه وقت عربستان، به وین در جریان مذاکرات هسته‌ای در آذرماه سال ۹۳ و دیدار او با جان کری، وزیر خارجه آمریکا، در هواپیما و در فرودگاه وین بود. دیداری که بسیاری آن را در راستای تامین منافع اسرائیل برای برهم‌زدن مذاکرات توصیف کردند. درواقع عربستان بعد از روی‌کارآمدن حاکمان جدیدش، سیاستی تهاجمی را در مقابله با ایران و در راستای تامین منافعش در منطقه در پیش گرفته است. اثر این رویارویی در چند سال اخیر تلاش کرده تا عرصه منازعات در خاورمیانه را به دو محور شیعی- سنی تبدیل کند و از سوی دیگر برای تحقق این خواسته‌اش تلاش کرده تا اختلافاتش را با کشورهایی نظیر ترکیه، قطر، مصر و حتی گروه‌های منطقه‌ای همچون اخوان‌المسلمین و حماس حل کند و روابطش را بهبود ببخشد. طرح ایده توریج اهل‌ل شیعی را در منطقه از سوی ایران که مدت‌هاست سران رباض مطرح می‌کنند هم می‌توان در همین راستا ارزیابی کرد؛ موضوعی که بارها مقامات کشورمان از جمله حسن روحانی، رئیس‌جمهوری، نیز به آن واکنش نشان داده و طرح آن از سوی عربستان را عامل تفرقه در منطقه توصیف کرده‌اند. به‌هرحال مجموعه عملکرد سران رباض در دوران پس از توافق هسته‌ای این بعد قدرت‌های بزرگ به‌خصوص آمریکا نشان می‌دهد که آنها در این مدت تلاش کرده‌اند تا به هر قیمتی احداث منطقه‌ای قدرت را در تقابل با ایران به پیش ببرند و حتی از جنگ هم روی‌گردان نیستند؛ موضعی که درست در تقابل با سیاست تنش‌زدایی تهران قرار دارد. ازاین‌رو مقامات ایران در این مدت باوجود آنتن‌افروزی عربستان در منطقه به‌خصوص مراجعی یمن و سوریه نشان داده‌اند که وارد بازی جدید عربستان برای خلع جنگی تلاش‌های کشورمان می‌نیز خویشتن‌داری در مقابل عربستان و در کنار آن ارتقای روابط با کشورهایی نظیر عمان و قطر نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود.

نظر من در چند ماه آینده هر اتفاق مهمی می‌توانست بهتر از این باشد؛ اما تلاش‌های درخور تحسینی در سطح دستگاه دیپلماسی در این زمینه در جریان است.

کمک به برخی کشورهای فقیر و ضعیف عرب، حامیانی برای خود دست‌وپا کنند؛ اما حتی کشورهای غربی نیز متوجه رفتارهای بدوی سعودی‌ها هستند

گمان‌های مختلف دیپلماتیک و کارشناسی به ایران از حوزه‌های مختلف اضافه کنید و در سوی دیگر، موفقیت ایران را در حوزه‌های مختلف دیپلماسی و میدانی قرار دهید. معادله دشواری نیست و اتفاقا از همین جا باید مراقب بود سعودی‌ها با درگیری‌های ساختگی، وضعیت را عوض نکنند.

عربستان در مواضع خود، طرف ایرانی را به سیاسی‌کاری در قبال این کشور متهم می‌کند. ایران بارها اعلام کرده است که منطقه توسعه‌یافته، به ایران هم کمک می‌کند. این ادعاها چقدر در میان کشورهای دیگر دیگر کرده می‌شود؟

ممکن است در قبال مواجهه با عربستان و رفتارهای آنان، اختلاف نظرهایی وجود داشته باشد؛ اما به عنوان یک دیپلمات مطلع، به شما می‌گویم از مقام معظم رهبری تا رده‌های بسیار پایین در کشور، همه به‌دنبال یک منطقه توسعه‌یافته و استفاده از ظرفیت‌های وحدت اسلامی هستند. البته کشورهای که طرح همکاری منطقه‌ای ارائه داد، ایران بود که از آن به عنوان همکاری منطقه ۲+۶ یاد می‌شد؛ اما به‌خاطر کارشکنی‌ها با شکرف. خیلی ایران و عراق باعث شد شورای همکاری خلیج‌فارس شکل بگیرد؛ اما در جهت حمایت از منجاوز؛ درحالی‌که اتحادهای منطقه‌ای، توسعه‌گرا هستند نه تخریبگر. امروز در اوپک، عربستان و چند کشور همه تلاش خود را می‌کنند تا حق

عربستان در حوزه رسانه‌ای نیز به‌شدت علیه ایران فعال است.

ایران، یعنی دبیرکلی، به کشورمان داده نشود. با تولید بیش از ظرفیت جهانی، به منافع مردم عربستان ضرر می‌زنند تا خانه‌ان خود را خدایرانی نشان دهند و از برخی کشورها امتیاز بگیرند. رفتار آنها شبیه لجبازی و حسادت‌های بچگانه است. این بچگانه رفتارکردن آنان را غربی‌ها نیز به‌خوبی درک کرده‌اند؛ اما منافع آنان در منطقه باعث می‌شود رفتارهای ضدونقیضی از خود در قبال سعودی‌ها نشان دهند.

کفته می‌شود سعودی‌ها اگرچه امکان بازگرون جبهه جدید ندارند؛ اما بدشان نمی‌آید ایران را تحریک کنند تا رفتار تندی از خود نشان دهد. اشاره شما به درگیری‌های ساختگی، به همین موضوع بر می‌گردد؟

قبلا کفته بودم که بعد از به‌نتیجه‌رسیدن احتمالی برجام، کار ما در منطقه سخت‌تر خواهد شد. امروز هم می‌گویم باید خود را هوشیار نکه داریم که پس از اجرائی‌شدن برنامه جامع اقدام مشترک، برخی کشورها به ایجاد چالش‌های تازه اقدام نکنند. احتمالا برای مواجه‌نشدن با افکار عمومی جهانی، به صورت پنهانی عمل خواهند کرد. در ظاهر همه در مقابل عمل انجام‌شده هستند و روی خوش نشان می‌دهند؛ اما ممکن است برخی اتحادهای منطقه‌ای و دوستی‌ها شکل بگیرد و برخی کشورها به هم نزدیک‌تر شوند و رژیم سعودی و اسرائیل چندتر به دنبال ضربه‌زدن به منافع ایران باشند. اتفاقات پیش‌بینی‌نشده حتما به وجود می‌آید و در منطقه فصل جدیدی آغاز خواهد شد؛ اما آنچه برای ایران مهم است، این است که با همه این فعل و انفعالات، شرایط ما همچنان بهبود خواهد یافت؛ به‌هرحال امروز می‌بینیم همین اتفاق در حال رخ‌دادن است؛ بنابراین با اینکه سعودی‌ها فعلا امکان تنش‌آفرینی ندارند؛ اما حتما باید با هوشیاری تمام، رفتار آنها را رصد کرد. برخی کشورهای منطقه اگر دست ایران را که برای رفتار سازنده و ارتباطات منطقه‌ای و اسلامی دراز شده، نگیرند، به سمت دوستی‌های پنهان و اتحادهای غیرمترقبه علیه ما می‌روند؛ اما آخر و عاقبت آن برای ایران خیر است. ما شاهد بودیم به‌نتیجه‌رسیدن برجام، رژیم سعودی را دچار تشویش، کارشکنی و حرکت به سمت قطع رابطه با ایران کرد. ما باید مراقب باشیم رخدادهایی مانند حمله به سفارت عربستان دیگر تکرار نشود؛

قبلا کفته بودم که بعد از به‌نتیجه‌رسیدن احتمالی برجام، کار ما در منطقه سخت‌تر خواهد شد. امروز هم می‌گویم باید خود را هوشیار نکه داریم که پس از اجرائی‌شدن برنامه جامع اقدام مشترک، برخی کشورها به ایجاد چالش‌های تازه اقدام نکنند. احتمالا برای مواجه‌نشدن با افکار عمومی جهانی، به صورت پنهانی عمل خواهند کرد

چراکه این اقدام دست رژیم سعودی را در بهانه‌جویی و جلوه‌دادن مظلوم‌نمایی باز کذاشت. ما می‌توانیم در مقابل اقدامات غیرمنطقی و غیرعقلایی عربستان، همچنان متانت خود را حفظ کنیم و برای جهان اسلام توضیح دهیم عربستان در حال زمینه‌سازی به سود صهیونیست‌هاست و درایران‌میان ایران به‌عنوان یک قدرت در منطقه و جهان اسلام، مطالبات جدی از سعودی‌ها دارد.

امروز همه می‌دانند سعودی‌ها بدرخواسته داعش هستند و درحال‌حاضر به دلیل شکست‌های پیاپی این کروک تروریستی، سعودی‌ها می‌خواهد از این مخمصه فرار کنند؛ چون حتما بعد از دفع خطر این کروک، نوبت به ایجادکننده‌گان داعش هم خواهد رسید.

عربستان در حوزه رسانه‌ای نیز به‌شدت علیه ایران فعال است.

دیپلماسی ایران که با روی‌کارآمدن دولت یازدهم و تعریف استراتژی بر - برد به ابزاری برای تنش‌زدایی در منطقه و کاهش فشار بین‌المللی در دیپلماسی بدل شد، اکنون از پرونده هسته‌ای گره کشود. اما در حوزه منطقه با تنگناهایی مواجه است. مقامات کشورمان در دیپلمات‌های ایران با همین رویکرد توانستند در سه سال گذشته اولویت قرار داده بودند، از اوضاع و احوال منطقه نیز غافل نشدند همچون انگلستان و کانادا به سوی ارسرکیری روابط خود با ایران همه کشورها مسالمت‌آمیز و به‌دور از تنش باشد. از آنجا که عمده‌ترین مشکلات و اختلافات منطقه با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس خصوصا عربستان شکل گرفت، تعامل با این کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و اگر در نتیجه تلاش‌های ایران، سیگنال‌های مثبتی از سوی عربستان دریافت کرده بودیم و تغییر در وضعیت روابط دو کشور مشاهده می‌شد، سیاست خارجی دولت یازدهم کار خود

را به بهترین شکل انجام داده بود. اما اکنون سیاست‌ها و رویکرد عربستان سعودی در نقش‌آفرینی در این مسئله منطقه‌ای از ایران غافله افتاده است. درخواست آنها از دمشق برای اینکه روابط خود با ایران را قطعه کند، دیگر نشانه عقب‌افتادن از ایران و تیر دیگری است که به سنگ خورده است. سعودی‌ها بدرخواسته که اختلافات ایران و عربستان تا حد زیادی کاهش یافته و روابط دو کشور در مسیر مذاکرات قرار گرفته بود، اما باوجود تمامی این اختلافات، ایران حاضر شد تا در کنار هم کشورمان در مقابل عربستان در نشست لوزان شرکت کند. آنچه حضور ایران در نشست لوزان را حیاتی کرد، حضور سطح دیپلماتیک سطح دیپلماتیک در داخل سوریه و وسعت‌گرفتن دایره درگیری‌ها در منطقه و جهان بود. هرچند که این نشست نیز عملا بدون نتیجه ملموسی پایان یافت. اما نکته مهم آن شاید قبول این واقعیت باشد که ایران و عربستان به‌دلیل جبران شکست‌های خود در سوریه، عراق، لبنان و یمن است. تلاش دارد تا ایران وارد بازی تنش‌آفرینی در منطقه کند و به‌همین‌دلیل تلاش دارد تا با ارتقای روابط خود با برخی از کشورهای غربی و حتی برخی با سعودی‌ها مدارا کند. این همان نکته‌ای است که چندوقت پیش سردار سرلشکر سیدحبیبی صفوی، دستیار و مشاور عالی مقام معظم رهبری، بر آن تاکید و اعلام کرد که «مرکز نباید به‌سوی تنش با عربستان حرکت کنیم». البته این سیاست منتقدانی هم دارد؛ منتقدانی که سیاست تنش‌زدایی با عربستان را نمی‌پسندند و معتقدند باید در برابر ریاض صراحت بیشتری داشته باشیم. باوجود این انتقادها، سیاست اصلی ایران همچنان دیوری از تنش‌آفرینی در منطقه و به‌خصوص درگیری با عربستان است.

منا: شیخ نمر تواتوفق عسقلانی؟

آسمان روابط ایران و عربستان سال‌هاست که به دلیل تلاش هر دو کشور برای تثبیت جایگاه خود در خاورمیانه به‌واسطه نفوذی که هرکدام برای کسب برتری از کشورهای منطقه دارند خاکستری است. یک روز تنش ایران و عراق و حاجات عربستان از صدام حسین و روز بعد مسئله لبنان، فلسطین، یمن به این روابط را تیرتر از گذشته کرده است.

البته مسائل دیگری نیز در یک سال گذشته در روابط دو کشور در کنار مسائل منطقه‌ای به‌شدت اضافه شده است. مواقع تعرض به دو نوجوان کشورمان منی بر خویشتن‌داری در مق